

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۱۸ می ۲۰۱۶

میراث امپریالیستی این رئیس جمهور «تاریخی» سرابی از غارت، کثافت کاری و نابودی است. نتیجه دروغ های سیاسی او حتی اینجا در میان مردم امریکا شروع به ثبت شده است: چه کسی به کنگره امریکا و رئیس جمهور اعتماد می کند؟ و در اروپا، چه کسی به شرکای اروپائی او با اعتماد می کند که مشتاقانه برای جنگ در خاورمیانه و شمال آفریقا فشار می آورند و اکنون از میلیون ها نفر از قربانیان آن ها می ترسند و نفرت دارند – پناهنده هائی با اجساد غرق شده از جوامع ریشه کن شده که سواحل آن ها را خراب می کنند و به شهرهای اروپائی فرار می کنند؟... فرمول امریکا برای یک میراث موفق، چیزی را که دقیقاً ادعای موفقیت می کند، شکست است! او با ما و راست گرایان، جهانی مملو از هرج و مرج و فروپاشیدگی ایجاد کرده اند. او با ما و لژیون او، امریکا و اتحادیه اروپا هیچ آینده ای در صلح و یا جنگ، انتخابات و یا شکست ها ندارند. برای او با ما این رئیس جمهور «تاریخی» هیچ میراث امپریالیستی وجود ندارد!

## میراث او با ما جهانی از هرج و مرج و فروپاشیدگی است

رئیس جمهور او با ما: شتاب برای میراث امپریالیستی



جیمز پتراس

مقدمه:

رئیس جمهور او با ما با سرعت به ایجاد میراث امپریالیستی خود در روسیه، آسیا و امریکای لاتین است.

او در دو سال گذشته، زرادخانه نظامی هسته‌ئی را در مرزهای های روسیه افزایش داده است. پنتاگون یک سیستم ضدراکتی با تکنولوژی بالا برای تضعیف دفاعی روسیه طراحی کرده است.

\*\*\*\*\*

اوباما در امریکای لاتین حضور توخالی خود را با تحمل رژیم های منتخب چپ میانه پوشانده است. در عوض، او به نئولیبرال های هار مستبد ارجنٹاین؛ و به قضات و سیاستمدارانی که سرنگونی دولت کنونی برزیل را مهندسی می کنند؛ پیوسته است؛ و رژیم های راستگرای در حال ظهور را در پرو تحت کیکو فوجیموری و در کلیمبیا تحت رئیس جمهور سانتوس، تشویق می کند.

اوباما در آسیا، به روشنی با تشدید افزایش ساختار نظامی، قاعده کلی آبراه دریائی چین را در دریای چین جنوبی تهدید می کند. اوباما از گروه های پرخاشگر و خشونت خواه جدائی طلب در هنگ گنگ، تبت، شئینگ جیان و تایوان حمایت می کند. اوباما، میلیاردرهای پکن را دعوت می کند تا تریلیون ها دالر دارائی خود را به «ماشین های پول شوئی» امریکای شمالی، اروپا و آسیا منتقل کنند. در همین حال او به طور فعال، طرح قدیمی «راه ابریشم» تجاری چین در سراسر مسیر میانمار و غرب آسیا را مسدود کرد.

رئیس جمهور اوباما در خاور میانه، به عربستان سعودی در گسترش جنگ وحشیانه او و محاصره یمن پیوست. او به کنیا و دیگر درنده خویان افریقائی دستور حمله به سومالی را داد. او با دیکتاتور ترکیه، اردوخان، در حالی همکاری کرد که سربازان ترک، کردها، و جنگجویان سوری و عراقی را که در خط مقدم علیه تروریسم اسلامی درگیر بودند، بمباران می کرد و با حمایت از ارتش های مزدور، در حمله به سوریه ادامه داد.

رئیس جمهور اوباما و چاپلوسان او همواره در برابر دولت یهودی و ستون پنجم امریکائی آن، برای افزایش حجم «باج» به تل آویو تعظیم کرده اند. در همین حال، اسرائیل هم چنان هزاران جریب از سرزمین فلسطین را مصادره می کند، هزاران فلسطینی، از کودکان خردسال تا پدربزرگان و مادر بزرگان را دستگیر کرده و به قتل می رساند.

رژیم اوباما برای غلبه بر پیامدهای ناشی از شکست های اقتصادی، سیاسی و نظامی خود در شش سال گذشته و ایجاد امریکا به عنوان قدرت نظامی و اقتصادی جهانی بدون رقیب فرومانده است.

در این مرحله، بزرگترین هدف اوباما بر جای گذاشتن میراثی پایدار است:

(۱) - روسیه و چین احاطه و تضعیف شده؛

(۲) - تبدیل مجدد امریکای لاتین به حیات خلوت تجارت آزاد خودکامه برای غارت و چپاول امریکا؛

(۳) - خاور میانه و شمال افریقا را به محل بازی خونین دیکتاتورهای یهودی و عرب تبدیل کند تا با خشونت تمام

ملت های آن ها را به سیل پناهندگانی مبدل سازند که به اروپا و جاهای دیگر روان شوند.

زمانی که این «میراث» ایجاد شد، «رئیس جمهور سیاه پوست تاریخی» ما می تواند ادعا کند که «کشور بزرگ» ما را برای مدتی طولانی تر به جنگ های بیش تری کشانده است، جان انسان های گوناگون بیشتری گرفته شده و از هر رئیس جمهور قبلی امریکا، پناهندگان فرومانده بیشتری را ایجاد کرده است و در همان حال توده بزرگ امریکائی های شاغل را پولاریزه و فقیر ساخته است. او در واقع، برای متصدی جایگزین لازم خود، مادام هیلری کلینتن یک «میلۀ پرش» جهت پریدن و حتی گسترش تنظیم خواهد کرد.

برای بررسی و عده میراث اوباما و جلوگیری از قضاوت های زودرس، بهترست تا شکست شش سال اول ریاست او را به یاد بیاوریم و بر شوق کنونی تلاش او برای «مکانی در تاریخ» تأمل کنیم.

## ترس، نفرت، و عقب نشینی

کمک مالی بی شرمانه اوباما به وال استریت به شدت با امیال اکثریت قریب به اتفاق احساسات امریکائی هائی که او را انتخاب کرده بودند، مغایرت داشت. این یک لحظه تاریخی از ترس بزرگ و نفرت شماری از ده ها میلیون امریکائی بود که خواهان دخالت حکومت دولت فدرال برای محاکمه جنایت کاران مالی، جلوگیری از روند مارپیچ رو به پائین ورشکستگی خانواده ها و سلب حق مالکیت خانه و بهبود اقتصادی کارگران امریکائی بودند. پس از یک ماه عسل کوتاه در ادامه «انتخابات تاریخی»، رئیس جمهور اوباما به امیال مردم پشت کرد و هزاران میلیارد دلار از پول مردم را برای «کمک» به بانک ها و مراکز مالی وال استریت انتقال داد.

اوباما که از خیانتی که به کارگران امریکائی و محاصره طبقه متوسط کرده بود راضی نبود، به وعده های کمپین انتخاباتی خود در پایان دادن به جنگ (ها)ی خاورمیانه با افزایش حضور پرسنل امریکا پشت پا زد و جنگ ترور توسط هواپیماهای بدون سرنشین خود را علیه افغانستان، عراق، یمن، لیبیا، سومالی و سوریه گسترش داد. پرسنل امریکائی دوباره به افغانستان حمله برده، جنگیدند و با شکست عقب نشینی کردند. طالبان پیشروی کرد. امریکا آموزش نظامی ارتش دست نشانده عراق را گسترش داد، که با اولین مقابله با دولت اسلامی (داعش) سقوط کرد. واشنگتن دوباره عقب نشینی کرد. تغییر رژیم در لیبیا، مصر و سومالی دولت/کشورهای از مزدوران درنده خوی و بدون هرگونه کنترل و سلطه امریکا ایجاد کرده است.

اوباما به استاد هر دو شکست نظامی و کلاه برداری مالی تبدیل شده است.

در نیم کره غربی، دولت های مستقل قاره امریکای لاتین برتری امریکا را زیر سؤال بردند. اوباما «رئیس جمهور تاریخی» به عنوان یک بی خبر از همه چیز که هیچ گونه رابطه ای با دولت های جنوب کانال پاناما ندارد، در نظر گرفته نشد. در حالی که تجارت و سرمایه گذاری بین امریکای لاتین و آسیا رونق گرفت؛ واشنگتن عقب افتاد. توافقات اقتصادی و سیاسی منطقه ئی گسترش یافت، اما اوباما بدون متحد باقی مانده بود.

تلاش های خام و دست و پا چلفتی اوباما در سیاست «تغییر رژیم» مورد حمایت امریکا در ونزوئلا و جاهای دیگر با شکست رو به رو شد. تنها کشور کوچک، و فاسد مواد مخدر هندوراس با مهندسی هیلری کلینتن و سرنگونی رئیس جمهور ملی-پوپولیست منتخب آن، در مدار اوباما افتاد.

در حالی که چین و روسیه توسعه یافتند، کالاهایشان شکوفا شد، ثروت آن ها افزایش یافت و تقاضا برای تولید کنندگان چینی از دیدار یافته است.

اوباما تا سال ۲۰۱۳ هیچ میراثی برای باقی گذاردن نداشت.

## بازیافت میراث شکست خورده اوباما

اوباما با حمایت مالی امریکا از کودتا در اوکراین، به رهبری اولین میلیشای نازی واجد شرایط پس از جنگ جهانی دوم، شروع به ایجاد «میراث» خود نمود. پس از جشن «تغییر رژیم» خشونت آمیز علیه دولت منتخب اوکراین، رژیم جدید الیگارش دست نشانده اوباما و ارتش قومی - ملی گرای آن یک فاجعه بوده است، کنترل منطقه صنعتی دونباس را به شورشیان قومی روس باخته است و زمانی که مردم کریمه با شدت تمام فشار آوردند و پس از ۵۰ سال به پیوستن دوباره به روسیه رأی دادند، کنترل ستراتیژیک کریمه را به طور کامل از دست دادند. در همین حال، پروشینکو «رئیس جمهور» الیگارش و دوستان دست نشانده او چندین میلیارد دلار «کمک» از اتحادیه اروپا ... همه در تعقیب «میراث» اوباما را به سرقت بردند.

اوباما پس از آن تحریم های ویران گری را علیه روسیه برای نقش او در رفراندوم کریمه و حمایت از میلیون ها روس زبان در دونباس برقرار ساخت، و در روند، اتحادیه اروپا را به فداکاری بزرگ تجاری مجبور ساخت. المانی ها و فرانسوی ها و بیست و هشت کشور دیگر اتحادیه اروپا برای نقش خود در ایجاد یک «میراث امریکائی» برای آقای اوباما، میلیارد ها یورو در تجارت و سرمایه گذاری قربانی کرده اند - بخش های بزرگی از اقتصاد کشاورزی و تولیدی خود را واگذار کرده اند.

رژیم اوباما سلاح های هسته ئی را در مرز لهستان با روسیه قرار داد، که به سوی منطقه مرکزی و حیاتی روسیه نشانه رفته است. استونی ها، لیتوانی ها و لتونی ها به تمرینات نظامی اوباما پیوستند و کشتی ها و هواپیماهای جنگی امریکا را در دریای بالتیک مستقر کردند و امنیت روسیه را تهدید می کنند.

### میراث اوباما در امریکای لاتین

رژیم اوباما پس از انتخابات اواخر سال ۲۰۱۳ تا کنون جهت برقراری برتری مجدد تلاش خود را با سقوط رژیم های چپ میانه تشدید کرده است.

«میراث» اوباما در امریکای لاتین مبنی بر بازگشت به قدرت نخبگان نئولیبرال در منطقه است. انتخابات موفقیت آمیز آن ها در نتیجه عوامل متعددی بود، از جمله:

- (۱) - ظهور قدرت اقتصادی راست گرایان در امریکای لاتین؛
- (۲) - پوسیدگی و فساد قدرت سیاسی در درون چپ گرایان؛
- (۳) - عجز چپ گرایان در توسعه رسانه های جمعی مستقل خود جهت به نبرد فراخواندن انحصار رسانه ئی راست گرا؛ و
- (۴) - شکست رژیم های چپ میانه جهت تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و توسعه رشد در خارج از مرزهای تعریف شده توسط بخش های سرمایه داری غالب.

رژیم اوباما با نخبگان سیاسی و بیزنس(کسب و کار) از نزدیک کار کرد، کمپین های سیاسی را سازماندهی کرد و سیاست های اقتصادی کلیدی را حتی در زمان دولت های چپ میانه کنترل کرد. رژیم های چپ منافع بیزنس راست گرایان را در صنایع معدنی و کشاورزی، بانک داری، و رسانه ئی و هم چنین در تولید و صادرات تأمین مالی کرد، و کمک هزینه و پاداش داد.

تا زمانی که تقاضای جهانی برای مواد اولیه قوی بود، دولت های چپ میانه وقت زیادی برای تنظیم هزینه های اجتماعی برای کارگران داشتند، در حالی که به منافع کسب و کار پرداختند. هنگامی که تقاضا و قیمت ها سقوط کرد، کسری بودجه چپ میانه را مجبور کرد تا هزینه های اجتماعی را برای توده ها و به همان خوبی یارانه ها را برای نخبگان کسب و کار کاهش دهد. در پاسخ، بخش بیزنس در دفاع از قدرت نخبگان یک حمله تمام عیار را علیه دولت سازماندهی کرد. چپ میانه در مقابله با قدرت رو افزایش و موقعیت مخالفان نخبه بیزنس خود شکست خورد.

نخبگان بیزنس یک جنگ تبلیغاتی تمام عیار را از طریق رسانه های جمعی شیفته خود - متمرکز شده بر رسوایی های فساد واقعی و یا فرضی به راه انداخت و سیاست مداران چپ میانه را بی اعتبار ساختند. چپ که در دمکراتیزه کردن انحصارات رسانه ئی شرکت های بزرگ با شکست مواجه شده بود، فاقد رسانه های جمعی مؤثر خود برای پاسخ به اتهامات راست گرایان بود.

احزاب چپ میانه تکنیک های تأمین مالی از کمپین های سیاسی نخبگان را به کار گرفت- یعنی، از طریق رشوه، امتیازات قراردادی، حمایت از دلالتان دیگر با پیمان کاران دولتی و خصوصی میلیاردر. چپ میانه تصور کرد که می تواند با بازار آزاد راست گرایان، حمایت مالی از کمپین ها و کاندیدها از طریق کلاه برداری مقابله کند - و نه از طریق مبارزه طبقاتی. این یک بازی بود که آن ها هرگز نمی توانستند پیروز گردند.

به هر حال، راست گرایان، متحدان خود را در درون پولیس، نهادهای قضائی و عمومی بسیج کردند تا چپ میانه را برای ارتکاب همان جنایاتی تحت تعقیب قانونی قرار دهند و بی اعتبار سازند که راست گرایان اعمال می کردند ولی آن ها را نادیده می گرفتند.

چپ میانه کارگران و کارکنان را برای ایجاد حتی حداقل کنترول بر نخبگان و برفرض بر برخی قدرت های مدیریتی بسیج نکرد. آن ها فکر می کردند که می توانند با شگرد های خاص خود راست گرایان، از طریق کسب و کار سایه و حيله بازی به مقابله برخیزند.

چپ میانه بر روی تأمین مالی دولت و سیاست های او از طریق رونق کالا در تقاضا برای منابع طبیعی دولت تکیه کرد - از بی ثباتی اساسی و نوسانات جهانی بازار کالا غفلت کرد. در حالی که راست گرایان آشکارا «ضعف چپ» را محکوم کرد - محرمانه، سیاست هائی را که حتی بیشتر وابسته به دلالتان خارجی و نخبگان کوتاه فکر بود دنبال می کرد.

در ارجنٹاین، هنگامی که اقتصاد رو به سقوط بود، رهبریت راست گرایان، به رهبری موریسیو ماریسی، یک کمپین ریاست جمهوری موفقیت آمیزی را به راه انداخت که شامل رسانه های جمعی، بانک ها، رأی دهندگان طبقه متوسط و نخبگان معادن و کشاورزی بود. رژیم ماریسی بلافاصله پس از کسب قدرت، خدمات اجتماعی را برای کارگران و دیگر طبقات متوسط پائین قطع کرد، استاندارد زندگی آن ها را کاهش داد و هزاران تن از کارکنان دولتی را بی کار ساخت. او باما ماریسی را به عنوان نوعی نجات دهنده میراث خود دید و ارجنٹاین را به عنوان مرکز جدید قدرت امریکا در امریکای لاتین- با طرح هائی بیشتر برای تغییر رژیم در برزیل، ونزوئلا و سراسر منطقه مشاهده کرد.

در برزیل، حزب کارگر چپ میانه (پی تی) با حملات شدید احزاب راست گرای افراطی بر پایگاه قدرت خود مواجه شد. رسوایی های فساد تمام طیف طبقه سیاسی را به لرزه درآورد، اما حزب کارگر چپ میانه به شدت با تقلب گسترده در شرکت نفت ملی بزرگ، پتروبراس گرفتار بود. مشکلات رژیم حزب کارگر چپ زمانی بیشتر می شود که کشور با کاهش تقاضا برای صادرات معدنی - کشاورزی خود به رکود اقتصادی وارد می شود. افزایش کسری بودجه مشکلات رژیم را بیشتر ترکیب کرد. راست گرایان برزیلی تمام دستگاه قدرت نخبگان خود را بسیج کرد - دادگاه ها، قضات، پولیس و سازمان های جاسوسی - در تلاش برای سرنگونی دولت حزب کارگر چپ گرا و تحمیل یک رژیم نئولیبرال مستبد که تمام دارائی های مالی، کسب و کار و تولیدی را تسخیر کند.

چپ میانه اگر چپ بوده است، ولی هرگز خیلی چپ نبوده است. تحت ریاست لولا و روسف (۲۰۱۶-۲۰۰۳)، نخبگان قدرت مند معادن و کشاورزی، بانک داری، سرمایه گذاری و رونق گرفتند؛ و شرکت های چند ملیتی شکوفا گشتند. چپ میانه برخی امتیازات پدرسالارانه برای کم درآمدترین طبقات فراهم ساخت، و دستمزد کارگری و کارگران کشاورزی افزایش یافت. اما حزب کارگر چپ میانه، کار/کارگر را به پس زمینه انداخت، در حالی که توافقات تجاری و تخفیف مالیاتی را با سرمایه دار به امضاء رساند و کارگران برزیلی را در مبارزات طبقاتی درگیر نکرد.

راست گرایان هرگز درگیر هیچ مبارزه ای با دولت چپ گرای واقعی که برای تغییرات ساختاری بیزنس پافشاری کند، نبوده اند. با این وجود، راست گرایان به دنبال حذف حتی سطحی ترین اصلاحات بودند. راست گرایان هیچ چیزی را کم

تر از کنترل کامل قبول نمی کنند، از جمله: خصوصی سازی شرکت ملی نفت بزرگ، کاهش دستمزد، حقوق بازنشستگی، یارانه وسایل نقلیه و قطع برنامه های اجتماعی. کودتای راست گرایان برزیلی – یک استیضاح جعلی سازماندهی شده توسط کلاه برداران تحت تعقیب – طراحی شده است تا ثروت را به طور گسترده ای دوباره متمرکز سازد، و دوباره قدرت بیزنس را تأسیس نماید، در حالی که میلیون ها نفر را در فقر غوطه ور می سازد و جنبش های توده نی سازمان یافته اصلی را سرکوب می نماید. در برزیل، رسانه های تحت کنترل نخبگان، دادگاه ها و سیاست مداران به عنوان قاضی، هیأت منصفه و زندانبانان علیه رژیم چپ میانه عمل می کنند که هرگز کنترولی بر نهادهای قدرت نخبگان ندارد.

### اوباما و محور میراث او

راست گرایان به پولیس پیوستند تا جمعیت کثیر را کنترل کنند و قدرت را به چنگ آورند، تا دوباره بین برزیل، واشنگتن و ارجنتاین روابط عمیقی ایجاد کنند. آن ها به سوی فتح مجدد تمام امریکای لاتین توسط نئولیبرال حرکت کردند. در برابر این موج جدید، باید درک شود که میراث امریکای لاتین اوباما به تازگی صورت گرفته است، بیش از حد شتاب زده و خیلی بی ربط است. راست گرایان جدید همین ویژگی ها را نمایش می دهند و یا حتی بدتر از چپ است که اخیراً مرده است.

زمانی که اقتصاد در حال رکود است، اشتغال در حال سقوط است، صادرات و تقاضای جهانی کاهش می یابد، ماریس ارجنتاین ۱۵ میلیارد دالر با نرخ ۸٪ سود پول قرض کرد. در همان حال، کابینه رئیس جمهور مورسیو ماریس توسط یک رسوایی مالی بزرگ طبق «ا لا اسناد پاناما» دچار طاعون گشته است. کل احزاب سیاسی – اتحادیه های کارگری – طبقه کارگر شاغل به شدت توسط حکومت اقلیت ماریس عمیقاً توهم زده شده است.

ممکن است ارجنتاین به میراث پایدار لاتین اوباما تبدیل نگردد: در حالی که ماریس ممکن است برای زمانی کوتاه درها را برای کنترل واشنگتن باز نگه دارد، اما نتیجه و آینده، با توجه به تاریخ اخیر قیام مشهور خیابانی ارجنتاین فاجعه بار و نامعلوم خواهد بود.

به همین صورت در برزیل، استیضاح/ کودتا به تحقیقات متعدد و جدید با محاکمات پس از استیضاح سیاست مداران و بحران عمیق اقتصادی منجر خواهد شد. معاون رئیس جمهور برزیل، که علیه روسف تبدیل گشته است، حال خود و هم چنین هوادارانش با اتهامات فساد رو به رو شده است. روریارونی طولانی مانع هرگونه تداوم اساسی می شود. سیاست رژیم راست گرا در کاهش دستمزدها، حقوق بازنشستگی، و «بسته» فقر در مقیاس بزرگ به درگیری با شورش جمعیت قطبی شده رو به رو می گردد. جشن برکناری رئیس جمهور حزب کارگران پس از یک دوره طولانی از بی ثباتی و بی نظمی - میراث اوباما حادثه ای کوتاه خواهد بود.

رژیم های راست گرا در ونزوئلا، کلمبیا و پرو بخشی از «میراث» اوباما خواهد بود، اما تا چه مدت طول می کشد؟ راست گرایان کنگره ونزوئلا – ملقب به ام یو دی – به دنبال سرنگونی رئیس جمهور منتخب هستند. آن ها خواهان آزادی چندین راست گرای تروریست از زندان، خصوصی سازی صنعت نفت و کاهش عمیق در برنامه های اجتماعی (مراقبت های بهداشتی و آموزش و پرورش) هستند. آن ها دستمزد کارکنان را کاهش می دهند و یارانه های مواد غذایی را حذف می کنند. ام یو دی هیچ طرح شایسته ای یا ظرفیتی برای رشد اقتصاد نفت و غلبه بر کمبود مواد غذایی کشور ندارند. ام یو دی می خواهد افزایش قیمت ها برای کالاهای اساسی را جایگزین اقتصاد یارانه نی چپ کند. مصرف داخلی را به بخشی از سطح معمول کنونی کاهش دهد. به عبارت دیگر، تهاجم راست گرایان ممکن است که

چاوژیستای چپ را شکست دهد، اما ونزونا را باثبات نخواهد کرد و یا یک جایگزین نئولیبرال قابل دوام، رونق نخواهد داد. هر رژیم راست گرا با سرعت باعث بدتر شدن مشکل مزمن خشونت جنانی خواهد شد که از سطح کنونی فراتر می رود. ائتلاف بین واشنگتن و راست گرایان ونزونا به سختی بر ادعای اوپاما در میراث تاریخی کمک خواهد کرد. به احتمال زیاد، به عنوان مثال در خدمت یک دولت راست گرای شکست خورده دیگری است که قادر به جایگزینی یک رژیم چپ ضعیف شده، نیست.

شرایط مشابهی را می توان در دیگر رژیم های راست گرایای «در حال ظهور» پیدا کرد.

در کلمبیا، سانتوس رئیس جمهور راست گرای کنونی با چریک های فارک مذاکره می کند، اما هم چنین جوخه های مرگ شبه نظامیان را آماده می کند. مذاکرات صلح و اصلاحات اجتماعی او به نسل کشی واقعی، و به رهبری رئیس جمهور سابق اوریب پیوند خورده است. در همین حال، اقتصاد با سقوط قیمت های نفت و فلزات در بازار جهانی راکد است. استاندارد زندگی در کلمبیا کاهش یافته است و وعده احیای رشد یک دولت راست گرا تیره و تار است. ائتلاف امریکا و کلمبیا ممکن است فارک را به بهای کمتری بفروشد، اما دولت راستگرا هیچ چشم اندازی برای نوسازی اقتصاد یا ثبات در جامعه ارائه نمی دهد.

به همین صورت در پرو، راست گرایان در رأی گیری برنده می شوند و بازار آزاد را در آغوش می گیرند، اما رشد کاهش می یابد، سرمایه گذاری و سودها خشک می شوند و سرخوردگی در میان فقراء در درگیری های خیابانی رشد می یابد.

«میراث» اوپاما در امریکای لاتین یک سری از پیروزی های وحشیانه را به دنبال داشته است، که هیچ ظرفیتی برای تحمیل مجدد یک «نظم نوین» از بازار آزاد و انتخابات آزاد ندارد. موج اولیه سرمایه گذاری مناسب و امتیازات سودآور برای احیا و پویایی مجدد یک رشد جدید شکست خواهد خورد.

از همه بدتر، اوپاما در هندوراس برای جایگزینی یک رئیس جمهور چپ- ملی گرای منتخب بر قتل عام توده نی تکیه کرد و یک رژیم ترور علیه جمعیت فقیر و بومی تحمیل کرد. در همین حال، پاداش هائی دستی به دلالتان غیرمشروع خارج از ارجنتاین داد.

میراث اوپاما در امریکای لاتین نشان دهنده طیف کاملی از کودتای راست گرایان غیرمشروع تا ساقط کردن دولت های منتخب در برزیل و ونزونا، تا رؤسای جمهور مستبد پرو و کلمبیا با ارتباط تاریخی در جوخه های مرگ و حساب های خارجی چندین میلیون دالری است.

«میراث امریکای لاتین» معاصر اوپاما بوی بدی از دست کاری شرم آور انتخاباتی می دهد که زمینه را برای جنگ های خونین طبقاتی آماده می کند.

### میراث اوپاما در اوکراین، یمن، و سوریه

رژیم اوپاما فکر کرد می تواند درگیری ها، شورش ها و جنگ های گسترده را برای پیش برد برتری جهانی خود مدیریت کند.

به دین منظور، اوپاما برای مسلح کردن پرسنل شبه نظامی نئونازی ها و به چنگ گرفتن قدرت در اوکراین، میلیاردها دالر برای اسلحه و تبلیغات خرج کرد. یک باند عجیب و غریب و وحشی از الیگارش ها (و فراری های خارجی و رسوا - مانند میکائیل ساکاشویلی، رهبر برکنار شده گرجستان) را برای خدمت به واشنگتن در رژیم دست نشانده کیف قرار داد. منتقدان، روزنامه نگاران، حقوق دانان و شهروندان را به قتل رساندند و می رسانند. اقتصاد اوکراین

ورشکسته شده است؛ قیمت اجناس سر به فلک کشیده است؛ درآمد ها تا نصف/پنجاه درصد کاهش یافته است؛ بی کاری سه برابر شده و میلیون ها نفر به خارج پناه برده اند. جنگ بین ارتش شهروندان قومی روس و رژیم دست نشانده کیف در دونباس شعله ور گشته است. مردم کریمه به پیوستن دوباره به روسیه رأی دادند. در همین حال، تحریمات اقتصادی علیه تجارت با روسیه، کمبود اجناس را برای مردم اوکراین تشدید کرده است.

تحت نظارت اوپاما اوکراین در کلاس جهانی ... به یک مورد سبب تبدیل گشته است: بسیار زیاد برای میراث اروپائی او. او به حق می تواند برای تحمیل یک رژیم کاملاً عقب افتاده سرمایه داری - غارتگر بدون آینده ادعای اعتبار کند. اوپاما جنگ سعودی علیه یمن را با آغوش باز پذیرفت - زندگی و شهرهای فقیر ترین کشور خاورمیانه را نابود ساخت. «میراث» اوپاما در یمن نشان دهنده نابودی سیستماتیک یک خلق مستقل است: اوپاما برای مستبدان میلیاردی سعودی شعبده بازی های خود را نمایش می دهد در حالی که جان بی گناهان را می گیرد. اوپاما برای اسرائیلی ها در فلسطین و برای سعودی ها در یمن، از جنایت کارانی تجلیل می کند که مسوول درهم شکستن زندگی میلیون ها نفر هستند.

میراث اوپاما در سوریه و لیبیا چیست؟ چند میلیون افریقائی و عرب به قتل رسیده اند و یا توسط قایق های زهوار در رفته از روی ناچاری فرار کرده اند؟ تنها فاسدترین دسته جنایتکار از رسانه های دانشمند در رسانه های امریکا می توانند وانمود کنند که این رئیس جمهور باید از تریبونال/دادگاه محاکمات جنایت جنگی معاف شود.

### نتیجه گیری

رژیم اوپاما جنگ هائی را ادامه داده است که باعث ویرانی بی امان بوده است. برای پیروزی های کوتاه مدت امپریالیستی که به شکست های ملال انگیزی پایان یافت، با تروریست ها و جوخه های مرگ همکاری کرده است. میراث امپریالیستی این رئیس جمهور «تاریخی» سرابی از غارت، کثافت کاری و نابودی است. نتیجه دروغ های سیاسی او حتی اینجا در میان مردم امریکا شروع به ثبت شده است: چه کسی به کنگره امریکا و رئیس جمهور اعتماد می کند؟ و در اروپا، چه کسی به شرکای اروپائی اوپاما اعتماد می کند که مشتاقانه برای جنگ در خاورمیانه و شمال افریقا فشار می آورند و اکنون از میلیون ها نفر از قربانیان آن ها می ترسند و نفرت دارند - پناهنده هائی با اجساد غرق شده از جوامع ریشه کن شده که سواحل آن ها را خراب می کنند و به شهرهای اروپائی فرار می کنند؟ اوپاما برای جنگ ها و دریافت قربانیان- با ترس و انزجار توسط اروپائی ها فشار آورد.

پیروزی های اوپاما موقتی، بد و برگشت پذیرند.

اوپاما دیروز افغانستان را بمباران کرد و اکنون از تمدید مقاومت فرار می کند.

متحدان اوپاما مخالف غارت امریکای لاتین هستند، ولی از طریق قیام های مردمی با برکناری حتمی رو به رو می شوند.

اوپاما دیروز سوریه را تکه تکه و مرعوب ساخت، اما روز بعد انتخابات را باخت.

اوپاما اقتصاد چین را تهدید می کند، در حالی که با اشتیاق محصولات چین را می خرد.

میراث اوپاما با یک شکست نظامی و تهاجم اقتصادی به همراه یک بحران اجتماعی عمیق شروع شد. در آخرین سال او در ریاست جمهوری، اوپاما سعی می کند تا ائتلاف با باقی ماندگان راست گرایان افراطی را جعل کند و میراث خود را نجات دهد. پیش رفت کوتاه او در این جهان کثیف و فرومایه نئولیبرال، نئونازی و حاکمان مطلق سعودی مقدمه ای برای عقب نشینی ها و هرج مرج های بیش تر است.



جشن عمومی اوپاما از راست گرایان در آسیا، امریکای لاتین، اروپا و خاورمیانه از صف عقب مانده ترین نیروها در دوران مدرن تحسین می کند: سعودی ها و اسرائیلی ها؛ جنرال های مصری و جهادی های لیبیایی؛ نئوعثمانی های ترک با الیگارش های گانگستر اوکراینی. تغییر رژیم ها در ارجنتاین و برزیل اوپاما را به ادعای دفاع از میراث امپریالیستی خود تشویق می کند.

«لحظه» حقیقت امپریالیستی او کوتاه است، بیش از حد کوتاه است. همه جا، پس از ظهور سریع موفقیت امپریالیستی ما شاهد یک سری از اقتضاحات می شویم.

در سرتاسر امریکای لاتین سودجویان سرمایه داری در ماجراهای مالی وحشی، دزدی و هرج و مرج غوطه ور می شوند. در خاورمیانه، امریکا بر کاخ های در حال زوال رژیم فاسد و رو به مرگ سعودی می ایستد. بسیاری از پیشرفت های امپریالیستی اعلام شده در همه جا، از مصر و ترکیه گرفته تا اوکراین بر مبنای سرقت بزرگ است. به بیان ساده: فرمول امریکا برای یک میراث موفق، چیزی را که دقیقاً ادعای موفقیت می کند، شکست است! اوپاما و راست گرایان جهانی مملو از هرج و مرج و فروپاشیدگی ایجاد کرده اند. اوپاما و نژیون او، امریکا و اتحادیه اروپا هیچ آینده ای در صلح و یا جنگ، انتخابات و یا شکست ها ندارند. برای اوپاما این رئیس جمهور «تاریخی» هیچ میراث امپریالیستی وجود ندارد!

#### **درباره نویسنده:**

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) دانشگاه جامعه شناسی بینگهامتون، در نیویورک – امریکاست. صفحه اینترنتی او:

<http://petras.lahaine.org/>

می باشد.

#### **برگرداننده شده از:**

<http://www.globalresearch.ca/president-obamas-race-for-the-imperial-legacy-a-world-of-chaos-and-disintegration/5522476>

<http://petras.lahaine.org/?p=2080>